

تبیین جرم سیاسی و عناصر تشکیل دهنده آن در نظام کیفری ایران

افشین حاجی پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۱

محمود قیوم زاده^{*۲}

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/ ۲۲

حسین حبیبی تبار^۳

چکیده:

جرایم سیاسی از جمله جرایمی هستند که به علت ویژگی خاصی که دارند با حاکمیت، دولت و آزادی‌های عمومی سروکار دارند و به علت حساسیت آنها قانونگذار اساسی را بر آن داشته تا ضمن تفکیک این جرایم از سایر جرایم عادی و تعیین مسیری یکسان برای رسیدگی به آنها در واقع امتیازاتی را برای مرتکبین این جرایم در نظر گرفته است و این موضوع می‌طلبد که این نوع جرایم با دقت مشخص شده و از سایر جرایم منفک شوند.

در این تحقیق که با روش تحلیل-توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای گردآوری شده است، هدف ما آنست که با بررسی قوانین کشورمان در زمینه این جرایم بتوانیم ضمن تحلیل این جرایم، گوشه‌هایی از این مشکلات و نقایص را نشان داده تا شاید در روند اصلاح قوانین مرتبط تاثیرگذار باشد.

کلید واژگان: ارکان تشکیل دهنده، جرم سیاسی، حقوق ایران، نظام کیفری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲- استاد تمام، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۳- استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

جرم سیاسی از جمله موضوعاتی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه خاص قرار گرفته است. اتخاذ تصمیم پیرامون روش برخورد کیفری ارفاق آمیز و یا غیر آن در مورد مجرمین سیاسی از آزمون های سخت دولت ها در هنگام تدوین مقررات ماهوی و شکلی حقوق جزا بوده است. بررسی تحولات تاریخی در این زمینه نشان می دهد که دولت ها در طول تاریخ در تعیین و سیاست کیفری واکنشی از نظر میزان و نوع پاسخ و نیز تضمینات دادرسی نسبت به مجرمین سیاسی دارای برخورد متفاوتی بوده اند. همچنین در دوران گذشته نیز این جرم جز جرایم بسیار بزرگ بود به شکلی به صورت ویژه در دادگاه محاکمه صورت می گرفت و مجازات آن شامل تمامی دارایی های شخص می شد (هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۶۱۴).

پس از تحولات سیاسی و ایدئولوژیک در اروپا نیز هرچند جرایم سیاسی از جرائم عمومی تفکیک شد، لکن نه تنها حمایتی از مجرمین سیاسی انجام نشد بلکه این تفکیک موجب اعمال مجازات های شدیدتر گردید. (پیوندی، ۱۳۸۲، ص ۵۷) پس از گذشت نیم قرن از انقلاب فرانسه اصل منع استرداد مجرمین سیاسی اعمال شد، و قرار بر این شد، که دادرسی آنها نیز در حضور هیئت منصفه انجام شود. (پیوندی، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

در ایران قبل از اسلام نیز در زمان هخامنشیان جرایم سیاسی از قبیل خیانت به کشور، اقدام علیه پادشاه، فرار از مقابل دشمن و امثال آنها جزء جرائم سنگین محسوب شده و مرتکب با قطع گوش ها و بینی و سپس اعدام مواجه می شد. (دانش، ۱۳۷۶، ص ۴۳) همچنین تجاوز حرمت تاج شاهی، نشستن روی تخت سلطنتی یا بی احترامی به خاندان پادشاه مجازات سنگسار را در پی داشت. (راوندی، ۱۳۶۸، ص ۱۱) در دوران ساسانیان روحانیون بر اساس کتاب اوستا، مجرمین سیاسی که جرائم علیه پادشاه و منافع مملکتی را مرتکب شده بودند را مجازات می نمودند. (راوندی، ۱۳۶۸، ص ۱۲). در زمان قاجار تا زمان ناصرالدین شاه، مخالفت با مجموعه دربار با اعمال وحشیانه ای از جمله مجازات همه خانواده روبرو می شد. (کرمانی، ۱۳۵۷، ص ۴۴۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون گذار اساسی تکلیفی به عهده قانون گذار عادی نهاد، و آن تعریف جرم سیاسی بر اساس موازین اسلامی بود (اصل یکصد و شصت و هشتم). همراه شدن مفاهیم مدرن سنتی با هم، در کنار الزام به حضور هیئت منصفه در اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، که در نگاه اول مغایر با موازین شرعی به نظر می رسد، کار را برای قانون گذار عادی مشکل کرده است. حل تعارض

مذکور و یاری تهیه‌کنندگان پیش‌نویس‌های قانونی و قانون‌گذار هدف اصلی این تحقیق است (مجبی، ۱۳۸۹، ۶-۹).

قانون اساسی که منشور تاسیس حکومت اسلامی و پایه‌های آن به حساب می‌آید، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خداوند می‌داند و تصریح می‌کند که خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است و هیچ‌کس نمیتواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.

بر پایه همین نگرش هاست که در اصل یکصد و شصت و هشتم (ق. ۱) ذکر شده است. رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد، نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین میکند.

۱- مبانی نظری:

از جمله مهمترین مبانی نظری که در تبیین جرم سیاسی نقش دارند می‌توان به نظریات ذاتی و نظریات موضوعی اشاره کرد. نظریات ذاتی نظریاتی هستند که در آن نیت جانی، تنها معیار (شناسایی) جرم سیاسی به حساب می‌آید و آن به جرم سیاسی از زاویه شخصیت جانی نگاه می‌کند، و معیار نوع جرم با توجه به رکن جرم معنوی و در انگیزه‌ها و اهدافش مشخص می‌شود و میتوان این نظریات را به سه دسته تقسیم می‌شود (فاضل، ۱۹۶۲، ۲۰). نظریاتی که به عامل یا انگیزه اعتماد میکند، و بسیاری از حقوقدانان آنها تنها معیار قاطع برای جرم سیاسی به حساب می‌آورد و از میان دانشمندان روسل و کلارک همه آنها بر این باورند که انگیزه ارتکاب جرم، سیاسی باشد باید که آنرا جرم سیاسی به حساب آورد.

همچنین جرم سیاسی به این امر شناخته شده است که: جرمی که عامل یا انگیزه‌های سیاسی، فاعلش را وادار به ارتکاب آن جرم میکند، و شکی نیست که عوامل و انگیزه‌های سیاسی، در اصل، ارتباط محکمی با مفهوم جرم سیاسی از زمان پیدایش این مفهوم دارد و باید که انگیزه‌ها شریف و به دور از منافع شخصی باشد و اینکه برای خیر و اصلاح خلاصه شده باشد و انتقاداتی به این دسته وارد شده است (سرور، ۱۹۷۲، ۲۸۴).

به دلیل آنکه درست نیست که عامل یا انگیزه معیار و مالکی برای تعیین طبیعت جرم و مالکش باشد، علاوه بر اینکه توجه به این نظر، میزان شمولیت جرم سیاسی را وسیع و گسترده میکند تا اینکه به راحتی میتوان همه جرمهای عادی را در چارچوب آن درجه بندی کرد، زیرا که کفایت میکند که همین کفایت میکند که جنایتکار متوسل شود به اینکه او به جهت تفکرات سیاسی مرتکب این جرم شده و اینکه

جرمهای سیاسی بیشتر از جرم های عادی، تشکیل می شود و این امری است که به طور مطلق قابل قبول نیست (حموده، ۱۶۴، ۲۰۰۹).

برخی دیگر ملاک تعیین جرم سیاسی را در جهت حمایت از افکار عمومی جامعه می دانند، بدین مفهوم که اگر عمل انجام شده افکار و احساسات عمومی را جریحه دار نکرد و چه بسا مورد حمایت نیز قرار گرفت یم توان آن عمل را سیاسی دانست (ملک اسماعیلی، ۱۳۵۵، ص ۷۶).

دسته دیگر نظریاتی هستند که هدف و غرض تکیه میکند و منظور هدفی است که فاعل به خاطر آن هدف اقدام به فعالیت مجرمانه اش کرده است، و بسیاری از دانشمندان به هدف یا غرض ارتکاب جرم به عنوان، جرمی سیاسی نگاه می کنند (فاضل، ۱۹۶۲، ۶۲) هر فعل نامشروع و غیرقانونی که فاعلش باهدف تجاوز به نظام سیاسی یا اجتماعی موجود در کشور انجام میدهد. در دسته جرمهای سیاسی قرار میگیرد و هوزیس در این باره می گوید که از ویژگی های جرم سیاسی این است که فعل در آن به صورت زنده و مستقیم یا غیرمستقیم باهدف حمله و تجاوز به دولت و سازمان ها یا سیستم هایش صورت میگیرد به گونه ای که جایز است که این حمله و یورش نشان و برچسب مقاومت را بر تن کند. و همچنین انتقاداتی به این دسته بندی وارد شد که باعث میشود که نتوان به این دسته بندی اعتماد کرد یعنی دسته بندیای که هدف را به عنوان مالک و معیاری در تعیین طبیعت جرم می دانند. همانطور که چشم پوشی از رکن مادی نیز در این زمینه جایز نیست، و همچنین با اعتماد به این دسته بندی به راحتی جرم عادی تبدیل به جرم سیاسی میشود، و همچنین هدف مانند عامل و انگیزه، نیتی درونی است که شناخت و آگاهی از آن سخت و دشوار و همچنین تحقق آن دشوار است (بکر، ۱۹۶۵، صص ۳۳-۴۱).

دسته آخر نظریاتی هستند که به اجتماع انگیزه و هدف با هم در یک زمان اعتماد می کند تا آنجا که برخی از دانشمندان اجتماع این دو معیار (انگیزه و هدف) را باهم به جهت تعیین و تشخیص نوع جرم سیاسی شرط کرده اند، و تشخیص جرم سیاسی بر اساس این دسته بندی این گونه است: اگر انگیزه و هدف از جرم، سیاسی باشد، جرم سیاسی است، و همچنین به این دسته بندی نیز انتقاداتی وارد شده دسته آخر نظریاتی هستند که به اجتماع انگیزه و هدف باهم در یک زمان اعتماد می کند تا آنجا که برخی از دانشمندان اجتماع این دو معیار (انگیزه و هدف) را با هم به جهت تعیین و تشخیص نوع جرم سیاسی شرط کرده اند، و تشخیص جرم سیاسی بر اساس این دسته بندی این گونه است: اگر انگیزه و هدف از جرم، سیاسی باشد، جرم سیاسی است و همچنین به این دسته بندی نیز انتقاداتی وارد شده مبنی بر اینکه درست نیست که معیار و ملاکی برای جدایی بین جرم های سیاسی و جرم های عادی باشد و اگر همه عناصر رکن معنی جمع شوند این اجتماع درست نیست.

دسته دیگر نظریات موضوعی هستند که در آن‌ها روش و مذهب موضوعی این نظریات را مد نظر قرار می‌دهد و به آن فرامیخواند، پیروان این مذهب معیار و مالک جرم سیاسی را از طبیعت حق قربانی یا از طبیعت مصلحتی که به آن ضرر وارد شده، بیرون میکشند. به مقتضای این روش، هر تجاوز و سوء قصدی به کیان و موجودیت دولت یا نظام سیاسی آنکه تشکیل دهنده جرمی سیاسی است، جرم سیاسی به حساب می‌آید و در این رابطه فون لیست می‌گوید: جرم‌های سیاسی، جرم‌های عمدی مرتکب شده بر ضد موجودیت دولت و امنیت یا سوء قصد به رئیس دولت یا حقوق شهروندان سیاسی است.

در نتیجه دولت به مقتضای این نظریات، به تنهایی شخص قربانی در هر جرم سیاسی است، اما باید که از در هم برهمی و اشتباه کاری پرهیز کرد، هر تجاوز و سوء قصدی به دولت تشکیل‌دهنده جرم سیاسی نیست، به گونه‌ای که وقتی حقی از حقوقی که دولت به عنوان قدرت و حکومت کلی مالک آن است - وجود نداشته باشد که این جرم به آن ضرر برساند. جرم سیاسی به حساب نمی‌آید، و از این قبیل است حق دولت در استقلال و سلامت زمین‌ها و شکل دولت و غیره، بنابراین جرم‌های علیه اداره عمومی (دولت عمومی) مانند رشوه و خرج کردن پول بدون داشتن حقی در آن و سوء استفاده از کار و مانند اینها از جرم‌های عادی به حساب می‌آید، شایسته ذکر است که حقوق و قضاوت گرایش زیادی به اخذ روش موضعی چه در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخلی دارند و این رویکرد و گرایش در تصمیمات ششمین کنفرانس بین‌المللی برای استاندارد سازی قانونی کیفری در کپنهاگ در سال 1935 به وضوح آشکار گردیده است.

زیرا که در رابطه با تعریف و مفهوم جرم‌های سیاسی گفته شده: آنها جرم‌هایی وارد شده علیه دولت یا حرکت سازمان‌هایش است، و همچنین جرم‌های وارد شده علیه حقوق شهروند سیاسی است. این نظریات خالی از انتقادات نیست و خیلی از انتقادات به آن وارد شده است، چراکه معیار موضوعی به جرم تنها از زاویه و دید رکن مادی نگاه میکند و توجه دارد و به طور کل از رکن معنوی غافل شده است، و نسبت به شرافت عامل یا شرافت مقصد بی توجه است، و بدین خاطر پیروان این روش به اندیشه جرم سیاسی و مفهومش بی توجه هستند، چراکه توجه به آن مثلا، خائنی را که وطنش را به بهایی ناچیز می‌فروشد مجرمی سیاسی است مادامیکه فعالیت سیاسی اش به موجودیت دولت و سلامتش ضرر می‌رساند. بنابراین جرم سیاسی خالص یا محض؛ عاملش سیاسی است و همچنین حق قربانی نیز سیاسی است، مثال آن تجاوز و سوء قصد به نظام دولت سیاسی به قصد تغییر آن است (شیحه، ۱۹۹۳، ۳۸۷). پس جرم سیاسی محض، تجاوز و سوء قصدی است که به کیان دولت از جهت داخلی و خارجی صدمه وارد می‌کند و در این مورد اختلاف بین پیروان مذهب شخصی و مذهب موضوعی وجود ندارد.

۲- انواع جرم سیاسی

۲-۱- جرم سیاسی محض

جرم سیاسی خالص یا محض؛ عاملش سیاسی است و همچنین حق قربانی نیز سیاسی است، مثال آن تجاوز و سوء قصد به نظام دولت سیاسی به قصد تغییر آن است (شبحه، ۱۹۹۳، ۳۸۷). پس جرم سیاسی محض، تجاوز و سوء قصدی است که به کیان دولت از جهت داخلی و خارجی صدمه وارد می کند و در این مورد اختلاف بین پیروان مذهب شخصی و مذهب موضوعی وجود ندارد.

۲-۲- جرم سیاسی نسبی

در واقعیت فعلی کم پیش می آید که جرم سیاسی محض صورت بگیرد، بلکه غالباً جرم سیاسی به جرمهای دیگری از نوع عمومی یعنی جرمهای قانون عام (مشترک) پیوند میخورد (احمد، ۲۰۰۷، ۱۵۶). برای نمونه در هنگام وقوع جرم آشوب و ازدحام، غالباً جرمهای عادی دیگری نیز به آن پیوند میخورد، مانند غارت کردن و به تاراج بردن در محلهای تجاری و ادارات دولتی و یا جرم ضرب و شتم شهروندان حاضر در آن جمع در اثنای آشوب و ازدحام. در هر صورت چاره ای نیست که در رابطه با جرم های سیاسی نسبی بین جرم مختلط و جرم مرتبط تمایزی ایجاد کنیم، هر دوی آنها از حیث موضوع، جرم های عادی هستند، زیرا که تجاوز در آنها به صورت مستقیم بر حقوق فردی و خاص وارد شده است. فرق و اختلاف در این است که در جرم مختلط، تجاوز و سوء قصد به حق و حقوق فردی با انگیزه سیاسی صورت می گیرد و مثالش ترور رئیس دولت به قصد براندازی یا تغییر از است. اما در جرم مرتبط، تجاوز و سوء قصد به حقوق فردی از خلال ارتکاب جرمهای سیاسی صورت میگیرد و ارتباط معلول با علت به این جرم ها مربوط می شود.

به جرم هایی که در آن واحد بر دولت و منافع افراد وارد میشود، اصطلاح جرم های سیاسی نسبی اطلاق می شود، به عبارت دیگر، جرمهای سیاسی نسبی در حقیقت، جرم های عادی ای میباشند که با جرم های سیاسی ارتباطی محکم دارند (سعید، ۱۹۳۹، ۶۷).

به گونه که این ارتباط یا به جهت تعدد جرم مادی و حقیقی است و یا به جهت تعدد جرم های معنوی و ظاهری، در حالت اول اصطلاح جرم های مرتبط با جرم سیاسی بر جرم های سیاسی نسبی، اطلاق می شود. در حالت دوم بر آن اصطلاح جرم های مرکب یا مختلط اطلاق می شود (سلام، ۲۰۱۳، ۷۰). با این تقسیم بندی برای جرم های سیاسی نسبی، خیلی از مسائل و مشکلات پیچیده ای ظاهر شده است که می توان آنها را اینطور خلاصه کرد که آیا این اختلاط یا ارتباط به جرم مرتکب شده، ویژگی و عنوان سیاسی می بخشد طوری که فاعل و مرتکبش از امتیازات حبس و تخفیف جرم و عدم استرداد بهره ببرد، و یا به عبارت دیگر مجرم سیاسی از مزایایی که مخصوص مجرم سیاسی است بهره می برد یا اینکه جرمی عادی

باقی می ماند و انجام دهنده اش (مرتکبش) مجرمی عادی باقی میماند؟ پاسخ به سؤال در راستای قانون داخلی اهمیت زیادی دارد، چراکه کم پیش میآید که جرم سیاسی بهصورت محض یا خالص رخ دهد و معمولاً به شکل نسبی ظاهر میشود که جرم های عادی با آن مختلط و یا مرتبط می شود (عبدالملک، ۱۹۳۱، ۵۱).

۲-۳- جرم سیاسی مرکب

جرم های سیاسی مرکب یا مختلط بیانگر تعدد معنوی یا ظاهری جرم هاست، جرم سیاسی از اتمام و توجه

گسترده ای در انجمن های بین المللی در حقوق جزایی و بین المللی برخوردار است (الشورابی، ۱۹۸۹، ۶۷). که در وحدت رفتار (حرکت) و تعدد نتایج نمود پیدا می کند یعنی در یک حرکت و با نتایج متعدد ظاهر می شود.

بنابراین تعدد ظاهری یا معنوی هر آنچه را که بر یک رفتار با بیش از یک نتیجه مترتب شده است را فراهم می آورد که قانونگذار بهصورت قانونی به آن توجه کرده است. فرقی نمیکند که نتایج مانند هم باشند و یا مختلف حقوق، جرم سیاسی مرکب یا مختلط را این طور تعریف کرده: جرمی که در آن تجاوز به حقوق فردی برای تحقق هدفی سیاسی صورت میگیرد. از نمونه هایش تجاوز و سوء قصد به زندگی رئیس دولت (رئیس جمهور) یا یکی از وزیران به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی دولت است و یا جعل اوراق بهادار دولت به جهت از بین بردن اعتماد به دولت است و مانند اینها جرم های سیاسی باهدف سیاسی محض است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳- عناصر تشکیل دهنده جرم سیاسی در ایران

۳-۱- عنصر قانونی: برای آنکه عملی جرم محسوب شود، وجود عناصری ضرورت دارد. برخی از عناصر جنبه عمومی و برخی جنبه اختصاصی دارند. یکی از ارکان عمومی هر جرم این است که: آن عمل از طرف قانون به عنوان جرم پیش بینی و مجازاتی برای آن مقرر شده باشد (عناصر قانونی) (صانعی، ۱۳۷۱، ۱۷۳-۱۷۴).

اصل و عنصر فوق، مستفاد از برخی از آیات شریفه قرآن کریم مانند سوره مبارکه اسراء آیه ۱۵ (ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا) و مستفاد برخی از روایات معصومین علیهم السلام و طبق حکم عقل بر قبح عقاب بدون بیان است.

قانونگذاران بین کشورها در روش تنظیم قانون برای جرم سیاسی با هم اختلاف دارند و همچنین در ترتیب آن در قانون اساسی و متون عادی، شایسته ذکر است که اغلب قانونگذاران از وضع تعریف قانونی برای جرم سیاسی امتناع می ورزند و آن به دلایل است که برخی از آنها را ذکر می کنیم :

- ۱- جرم سیاسی، دارای مفهومی سیاسی است نه قانونی .
- ۲- تغییر و تحول مفهوم جرم سیاسی و عدم ثباتش برحسب سازمانهای سیاسی موجود و سیاسی جنائش، آن در نهایت جایگاه اراده سیاسی است و اصل قانونی با آن متفق نیست .
- ۳- وظیفه قانونگذار ثبت و ضبط ارکان جرم و عناصرش و شرایط مرتبط با آن است و تعریف منجر به بیحرکتی و جمود متن (قانون) و عدم همگام بودن با پیشرفت میشود و ازاینرو تعریف از وظایف فقه باقی میماند و از وظایف قانونگذار نیست (بکر، ۱۹۶۵، ۳۳-۴۱).
- ۴- ارتباط مفهوم جرم سیاسی با مفهوم منافع و مصلحتهای سیاسی و مصلحتهای عمومی و امنیت عمومی و خطر سیاسی و همه این مفاهیم وسیع و گسترده است و نمیتوان آنرا در مفهومی معین محدود کرد.
- ۵- خیلی از دولتها از طریق انقلاب به حکومت رسیدند و در نتیجه این سختی و مصیبت ها، که غالباً قانونگذاری های جنائی آمده که خالی از تعریف جرم سیاسی است و این به معنای خالی بودنش از احکام جرم هایی که نظام و امنیت عمومی را تهدید می کند، نمی باشد.
- ۶- تعریف، خشم مخالفت و مقابله را بر می انگیزد چراکه آن هدف انتقاد از نظام موجودِ ناظر بر قانون است .

برخی از حقوقدانان بر این باورند که متن (قانون) جرم سیاسی در قانون اساسی غیرممکن است زیرا که اندیشه مبارزه با حاکمان و حمله یورش بر آنها اندیشه فلسفی محض است و علمی نیست و اصل و اساسی از واقعیت علمی ندارد همانگونه که وضع و قبول کردن آن و اقرار به آن در متون قانونی، نتایج خطرناکی را بر آن مترتب میشود که امنیت و آرامش دولت را تهدید میکند، چراکه مانند این اعتراف و قبول یعنی تحریک و تشویق هرج و مرج و آشوب و انتشار تشویش و اضطراب در دولت، مانند این متن و قانون در قوانین اساسی نیاز و ضرورتی ندارد و ارزشی برای مانند این متن در قوانین اساسی نیست، کما اینکه فساد حاکمان و ظلمشان منجر به انقلاب بر علیه شان و تمرد و سرکشی از اطاعتشان بدون نیاز به متن قانون اساسی میشود .

در گذشته برای جرم سیاسی در ایران قانون خاصی وضع نگردیده بود و فقط ماده هایی در قانون مجازات ایران پیداشده است که در رابطه با جرمهایی که با جرم سیاسی مرتبط است، سخن گفته است (مدنی، ۱۳۹۳، ۱۱۶).

در فصل پنجم (تعزیرات و مجازات بازدارنده) از ماده 498 تا ماده 512 مجموعه از جرم های که مرتبط با جرم سیاسی است را ذکر کرده است و مجازات مرتبط با آنرا نیز ذکر کرده است، هرچند که قانونگذار ایرانی اخیراً به وضع قانونی جدید در خصوص جرم سیاسی به ماره 363/13451 در تاریخ 1395/3/4 با استناد به احکام ماده 123 از قانون ایران پرداخته است که مکان اجرا در این قانون وارد شده است .

این قانون از 6 ماده تشکیل شده است، ماده اول درباره تعریف جرم سیاسی صحبت کرده که گفته جرمهای مذکور در ماده دوم از جرمهای سیاسی به حساب می آید وقتی که با انگیزه اصلاح امور دولت و ادارات یا سیاستهای داخلی و خارجی دولت صورت گیرد بدون قصد واردکردن آزار و اذیت به اصل نظام .ماده دوم، وضع جرمهایی را تعریف و تعیین کرده است که میتوان آنها را سیاسی به حساب وارد که ماده دوم گفته است جرم هایی که بعداً در زیر می آید وقتی که منطبق با شرایطی باشد که در ماده اول ذکر شد، جرم های سیاسی به حساب می آید :

الف- اهانت یا دروغ بستن و یا افترا به رؤسای قوه های سه گانه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونهای رئیس جمهور، وزیران، اعضای مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، مجلس شورای نگهبان

ب- اهانت به نماینده سیاسی دولت خاز جی داخل مرزها و محدودهی ایران با رعایت ماده 517 از قانون مجازات ایران قسمت تعزیرات

ج- جرم های ثبت شده در بندهای (د) و (ه) ماده 16 قانون فعالیت گروهها و جمعیتها، نماینده سیاسی، و نماینده اقلیتهای معروف دینی در مصوب 1363/6/7

د- جرمهای تصویب شده در قوانین انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای استانها و روستاها به استثنای افسران و ناظران بر انتخابات

اما ماده سوم از استثنائاتی سخن گفته است که در جرم سیاسی وارد شده و جرمهای مذکور را از دسته جرمهای سیاسی کنار زده مگر اینکه انگیزه اش سیاسی باشد که ذکر شده است که (مستقیم باشد یا همکاری یا اقدام به جرمهایی که بعداً می آید باشد، الف /جرمهای مستوجب حد (مجازات) و قصاص و دیه ب /سوء قصد به مسئول آن داخلی و خارجی ت /انفجار و تهدید به آن و هواپیماربائی و دزدی دریایی ث /آتشسوزی و ویرانی و تخریب عمدی ج /تجارت ممنوع (قاچاق)، خرید و فروش اسلحه ، مواد مخدر ج /رشوه، اختلاس، تصرفات غیرقانونی در وجوه دولتی پولشویی، و پنهان کردن اموال ناشی از جرم مذکور

ح / جرم جاسوسی و افشاری اسرار خ / تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و قتل و ایجاد ناامنی د /
 اخلال در سازمان گزارشات و ارتباطات بی سیمی و غیر بی سیمی ذ / جنایات مخصوص عفت و اخلاق
 عمومی .

ماده چهارم از قانون جرم سیاسی، از روش محاکمه صحبت کرده که گفته شده چگونگی رفتار با مجرم
 سیاسی و دستورات مرتبط با هیئت منصفه باید بر اساس اصول محاکمات جزایی ایران مصوب تاریخ
 1392/12/4 باشد .

ماده پنج از این قانون گفته که : تشخیص اتهام سیاسی بر دوش دادگاه ای است که به آن قضیه توجه
 میکند و متهم در هر مرحلهی محاکمه داخل دادگاه و تا آخر جلسه میتواند که جایگاه و موضع خود را
 نسبت به اتهام بیان کند که آیا سیاسی است یا نه.

ماده ششم امتیازاتی را بیان کرده است مجرم سیاسی نسبت به سایر مجرمین از آن بهره مند میشود که
 گفته شده : الف / حبس و بازداشت مجرمین سیاسی در مکانی ویژه به دور از مجرمان عادی ب / منع کردن
 مجرمین سیاسی از پوشیدن لباسهای زندانیان عادی ب / جرم سیاسی از جرمهای بدون پیشینه بازگشت به
 ارتکاب مجدد جرم به حساب می آید ت / ممنوعیت استرداد مجرمین سیاسی . این قانون جرم های سیاسی
 در ایران بود .

قانونگذار ایران چارچوب جرم سیاسی را محدود کرده است و خیلی از جرمهای سیاسی مختلط و
 مرکب را از دسته جرمهای سیاسی کنار زده است

۲-۳- عنصر مادی:

رکن مادی جرم سیاسی دارای سه عنصر است که رکن مادی را تشکیل میدهد و آن به شرح زیر است :
 ۱- رفتار مجرمانه : عبارت است از کاری یا امتناع از کاری که قانونگذار آنرا محلی برای جرم دانستن
 و محلی برای مجازات قرار داده است، ازاینرو مجازاتی برای نیتها پنهان و افکار جدای از هر رفتار مادی
 ملموس و محسوسی که محلی برای جرم دانستن است.
 ۲- نتیجه مجرمانه : نتیجه در ضرر یا خطر حاصل شده ای که دارای مصلحتی است نمود می یابد و
 آن محل حمایت قانون از جانب قانونگذار جنایی است .

۳- رابطه سببی : این است که بین رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه ارتباط برقرار می سازد، که نتیجه به
 سبب رفتار مرتکب میباشد هرچند که این رفتار با نتیجه مجرمانه صورت نگرفته باشد (حموده، ۱۶، ۲۰۰۹).
 رابطه سببی به طور کلی امر را به سبب اسناد می دهد، معلول بر علتش وارد شده و آن در زمینه جنایی
 است یعنی اسناد دادن رفتار مجرمانه به مرتکبش و ارجاع دادن نتیجه به این رفتاری که باید شخص مسئول
 ، به صورت جنایی مرتکب آن بشود، یعنی برخوردار از درک و قدرت تشخیص می باشد و دارای

صلاحیت کامل باشد، از این رو به صورت مطلق مسئولی جنائی نیست چه به بهانه و عذر اضطراری باشد یا عذری دائمی، به استثنای حالت مستی که با اختیار خود مست شده در نتیجه او از حالت نفی اسناد معنوی عمل مجرمانه صادر شده از آن بهره مند نمی شود، از این رو همواره مسئول جنایی از رفتار مجرمانه است که در این حالت مرتکب آن شده است یعنی آن تحت تأثیر مستی یا مواد مخدر است. و هر یک از عناصر رفتار مادی جرم را به طور خلاصه ارائه خواهیم داد، و آن به شرح زیر است:

۱- رفتار مجرمانه: رفتار مجرمانه دو شکل می گیرد یا: فعلی مثبت و یا فعل منفی است و آن امتناع از اقدام به التزامی قانونی است که فرد باید اقدام به آن بکند و قانونگذار کیفری وقتی دخالت میکند و فعل یا امتناع از فعل را جرم به حساب می آورد که آن تنها به این دلیل است که این فعل یا آن امتناع ضرر یا خطر بزرگی را به جامعه به و به منافع اساسی اش و ارکانش وارد کند.

از این رو درمی یابیم که قانونگذار کیفری از زمان قدیم افعالی را که زندگی بشر را تهدید میکند یا به آن یا بر دارایی هایش و یا بر امنیت عمومی تجاوز میکند و این اعمال محل توافق بین قوانین مختلف کیفری است که فرهنگ قانونی بوده که این قوانین را به آن وابسته می شود.

۲- نتیجه مجرمانه: شکی نیست که نتیجه مضر یا خطرناکی که جامعه دچارش میشود چیزی است که باعث میشود. قانونگذار جنایی اقدام به دخالت به جهت جرم دانستن این افعال یا جرم دانستن امتناع از فعلی منجر به جرم کند و بعداً منجر به خارج شدن این افعال یا امتناع از انجام فعال (سرور، ۱۹۷۲، ۷۳)، از دایره مجازی است که در اشیاء دایره جرم اصل است و آن به جهت هدفی است که تحققش مورد نظر قانونگذار است و آن حمایت منافع مورد سوء قصد است که به آنها ضرر یا خطر بزرگی وارد شده است چراکه این افعال یا امتناعات بدون جرم نیستند. از این رو بزرگترین جنایات، در درونش ضرری یا خطری کلی رادارند که مستقیماً به جامعه وارد می شود علاوه بر ضرر و خطر خاصی که به قربانی وارد میشود.

۳- رابطه سببی: رابطه سببی همانگونه که پیشتر گفته شد یعنی رابطهای که بین رفتار و نتیجه ارتباط برقرار می کند.

به گونه ای که این رفتار، همان چیزی است که منجر به نتیجه میشود و آن بر اساس جریان عادی امور است، اینجا مشکلی وجود دارد که هنگام داخل شدن برخی از عوامل دیر در ایجاد نتیجه مجرمانه در کنار رفتار مادی مجرمانه، برانگیخته میشود.

۳-۳- عنصر معنوی:

رکن معنوی در جرم سیاسی سه حالت را دارد که به شرح زیر است:

الف- صورت عمد: قصد خاص در ارتکاب جرم‌های سیاسی است یعنی هدف جنایتکار از ارتکاب جرم که چیزی است که از خلال آن ممکن است که معیاری برای تمایز جرم‌های سیاسی از جرم‌های عادی باشد و خصوصاً در جرم سیاسی نسبی .

قصد خاص چیست و معیار و مالک تمایز بین آن و قصد عام چیست؟ حقوق جنایی بر این اجماع کرده است که معیار تمایز بین قصد عام و خاص، اختالفشان در عنصرشان است (حسنی، ۶۵۴، ۱۹۸۴). قصد عام بر علم و اراده گرایش یافته به ارکان جرم استوار است اما قصد خاص به آن بسنده نمی‌کند و نیازمند عنصری علاوه بر آنها و توضیح اندیشه قصد خاص است که در گروهی بیان این عنصر است، با این وجود قصد عام گسترده تر است از قصد خاص، هرچند که برپایی قصد خاص بدون قصد عام است، جرمی که قانون در آن نیازمند قصد خاصی است که در ابتدا قصد عام را می طلبد، سپس قصد خاص را به آن می افزاید. بحث در فراهم شدن قصد خاص با فرض ثبوت و وجود قصد عام است (ثروت، ۲۰۰۰، ۱۹۴). قصد عام همان قصد عادی است یعنی قصدی که قانون معمولاً به آن اکتفا میکند، اغلب جرم‌ها یا قصد عام شکل می‌گیرد ممکن است که برخی از جرم‌های سیاسی مانند جرم اجتماع، و قتیکه تهدیدکننده صلح عمومی باشد که در این هنگام وجود قصد عام مجرمانه کفایت می‌کند (سرور، ۱۲۰، ۱۹۷۲).

آن اراده جنایتکار در شرکت کردن در اجتماع و عصیان و آشوب که با امر جدا شدن شکل می‌گیرد و این چیزی است که در بردارنده تهدید صلح عمومی و با صدور امر جدا شدن است؛ و آن جرمی سیاسی است به این جهت که موضع تجاوز و سوء قصد است. اندیشه قصد خاص، اندیشه‌های است که دارای غموض و ابهام است و برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که واضح و روشن ترین تعریف برای آن در فقه این است که قصد خاص (نیتی است که گرایش به هدفی معین دارد یا نیتی است انگیزه ای خاص آنرا به انجام کاری سوق می‌دهد) هرچند که دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که این تعریف را به تنها غیر کافی میدانند، زیرا که معیاری قرار نداده است که (هدف) معین یا (انگیزه خاص) را تعریف کند که قصد خاص قصد خاص با گرایش نیت به سمت یکی از این دو شکل می‌گیرد. (الخفاجی، ۱۳۹۶، ۵۴)

بیان این معیار ضروری است تا تعریفی از اندیشه قصد خاص داشته باشد. قصد خاص مانند قصد عام، با علم و اراده شکل می‌گیرد و هر دو عالوه بر آن به واقعه‌هایی کشیده میشوند که در ذات خود از ارکان جرم نیستند، و در توضیح باید گفت وقتی که قانون در جرم وجود قصد خاص را ضروری میدانند معنایش این است که آن اولاً گرایش به علم و اراده دارد تا به ارکان، از این رو قصد عام فراهم می‌گردد (حومد، ۲۰۱، ۱۹۶۳). بعد علم و اراده به سوی وقایعی می‌روند که بر اساس قانون از ارکان جرم به حساب نمی‌آید، و با این رویکرد خاص به علم و اراده، قصد خاص شکل می‌گیرد، بدین سان، فرق بین قصد عام و قصد خاص معلوم می‌گردد که در اختلافی در طبیعتشان نیست که علم و اراده است، و

اختلاف تنها به موضوعی باز میگردد که مربوط به علم و اراده است، و آن چارچوبش در قصد خاص گسترده تر از قصد عام است .

ب- حالت جرم های سیاسی با قصد عمد: وقتی که جنایتکار به سوی ارتکاب جرمی کشیده میشود، و با عملش به نتیجه ای خطرناکتر و بزرگتر می رسد، بعداً مسئول این نتیجه اخیر خواهد بود بنا بر قصد (جنایتکار). در جرم با قصد جنایتکار، قصد جنایی در آن بین دو حد مثبت و منفی میایستد و آنرا به مهمترین خاصیت به معنای عمومیاش در نظریه اشتباه می کشاند و آن خاصیت (حد وسط) بین اشتباه (جرم) عمدی و یا غیر عمدی است. اما در رابطه با حد مثبت باید گفت که در سوق دادن اراده به ایجاد اتفاقی ساده یعنی اقدامی عمدی به همه عناصرش نمود می باید و در هر حالتی از حالت هایش می باشد. اما در رابطه با حد منفی باید گفت که در عدم گرایش قصد جنایتکار به ایجاد اتفاقی بزرگ نمود می یابد، یعنی سرباز زدن از عمد در حالتی از حالت هایش.

ج- حالت های جرم سیاسی غیر عمدی: جرمهای سیاسی با فراهم شدن اشتباه غیر عمدی صورت میگیرد. و بیشتر قوانین کیفری به جرم دانستن رفتار (خطاکننده) کشیده شده اند (یعنی این امر را میپذیرند) وقتی که وقوع یکی از جرم های امنیت خارجی دولت فراهم و آسان گردد. آن به اهمیت زیاد موضع حمایت بازمی گردد و تنها حقی در زندگی فردی نیست بلکه حق زندگی همه ملت است و مرتکب خطای غیر عمدی در نزدش اراده گناه و روحیه تجاوز به جامعه فراهم نمیگردد همانگونه که در مرتکب جرم عادی میباشد، و با این غفلت و سهل انگاری یا بی احتیاطی از پابندی اخلاقی یا بی احتیاطی و پرهیز لازم خار شده است تا اینکه باعث ضرر رساندن به دیگران شده است. از این رو میتوان گفت زمینه اعمال اشتباه غیر عمدی به شکل اساسی، همان جرمهای سازمان یافته است، و آن جرمهایی است که برای مخالف با قوانین راهنمایی رانندگی واقع میشود مانند قتل عمدی و برخورد عمدی و همچنین برای مخالفت با قوانین بازارها و قیمت ها و اندازه گیری ها واقع میشود و غیر از اینها جرم هایی است که برای مخالف با لایحه های کنترل و ثبت واقع میشود در حالیکه جرم های سنتی را می یابیم که آن جرم هایی است که در تجاوز به ارزشهای ثابت انسانی و اخلاقی در هر مکان و زمانی نمود می باید مانند جرم قتل عمد و دزدی و زنا و تهمت زنا زدن و ویرانی و آتش سوزی اموال و جرم های دیگر از این قبیل که تنها در حالت عمدی از جنایتکار سر میزند یعنی دارای قصد جنایی تشکیل شده از دو عنصر علم و اراده است. یعنی میدانند که رفتار مجرمانه است و در قانون مجازات میشود. علیرغم اینکه ارتکاب جرم را اراده کند در همان هنگام تحقق نتیجه مجرمانه را نیز اراده کند که دائماً به جامعه ضرر و خطر میرساند و از این جهت قانونگذار جنایی این رفتاری که منجر به این نتیجه را جرم به حساب می آورد (الفاضل، ۱۱۲، ۱۹۶۲).

۴- مجازات جرم سیاسی در نظام کیفری ایران

قانونگذار ایرانی مجازات خاصی را که به مجرم سیاسی اختصاص یابد را مشخص و تعریف نکرده است و این موضوع را به قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 در تعیین مجازات و کیفر مناسبی که ممکن است به مجرم سیاسی حکم شود، واگذارده است (زنیلی، 1378، ۱۲۷).

که این مساله بر حسب نوع جرم مرتکب شده و میزان شدت و سنگینی اش می باشد و آن به گونه ای که در موارد بعدی می آید :

الف - اعدام : در بیشتر کشورهای که دارای نظام دموکراسی هستند که از جمله آنها ایران است، الغاء و لغو مجازات اعدام مجرم سیاسی صورت گرفته است و درحالیکه برای دادگاه ثابت شده باشد که نوع جرم مرتکب شده، سیاسی است (رادفر، 1393، ۷۳) به هیچ وجه و در هیچ صورتی ممکن نیست که حکم به اعدام مجرم صادر شود .

ب - مجازات بدنی : همچنین از مجازاتی که در قانون ایران وضع گردیده، مجازات بدنی مرتبط با جسم انسان است که با مجازات اعدام فرق دارد زیرا که مجازات بدنی در ارتباط با جسم انسان است درحالی که مجازات اعدام در ارتباط به زندگی است و با توجه به امتیازاتی که مجرم به واسطه آن از دیگر مجرمان عادی متمایز میشود، باین حال این مجازات در قوانین ایران از مجرم سیاسی برداشته شده است، و مجازات بدنی در حق مجرم سیاسی ممنوع است (خالقی، ۲۰۱۶، ۳۳)

ج- مجازات سلب کننده و محدودکننده آزادی : بیشتر مجازاتی که بر مجرم سیاسی حکم شده، مجازات سلب کننده آزادی است که قانون ایران به عنوان نوعی از مجازات حکم شده بر مجرم سیاسی به شکل فراوانی از آن استفاده کرده است (زراعت، 1377، 112)

همچنین مجازات دیگری وجود دارد که قانون ایران از آن استفاده می کند و آن مجازات محدودکننده آزادی است، و آن از دسته مجازاتی است که نسبت به مجازات سلب کننده آزادی سبکتر است، زیرا که مجازات سلب کننده آزادی، آزادی متهم را به شکل کامل از او می گیرد یعنی او را بازداشت و زندانی میکند .

اما مجازات مشروط و مقید به آزادی، آزادی مجرم را محدود می کند و آزادی اش را به طور کامل سلب نمی کند و از جمله مجازات بارز محدودکننده آزادی ، تبعید متهم از کشورش یا بیرون راندش و یا مجبور کردنش به ترک محل اقامتش و زندگی کردن در محل اقامت دیگری است (روحانی، ۱۳۹۱، ۷۱)

د- مجازات سلب کننده حق و حقوق : این مجازات از انواع مجازات محدود سازنده و پیش گیرنده به حساب می آید و در ماده 19 از قانون مجازات اسلامی ایران و در ماده 23 از همان قانون مذکور نیز آنرا به عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی، میبینیم .

این محرومیت انواع مختلفی دارد از جمله این انواع، محرومیت از حقوق مالی و حقوق سیاسی و محرومیت از اشتغال و پرداختن به معاملات مالی و محرومیت از اداره و مدیریت اموالش و همچنین تجارت و مانند اینهاست. (رادفر، 1393، 71) محرومیت سیاسی، در واقع محرومیت فرد از پرداختن به اعمال سیاسی مانند رأی دادنش در انتخابات به صورت کلی و همچنین محرومیت از بقیه حقوق سیاسی ای که دادگاه با نقشش میتواند مجرم سیاسی را از آن محروم کند. اما در رابطه با محرومیت از حقوق اجتماعی، منظور محرومیت مجرم از پرداختن به اعمال و کارهای اجتماعی مانند حضانت طفل و حق ولایت و حق قیمومیت و ممنوعیت در معاشرت است.

(مدنی 1393، 76).

ه: مجازات نقدی: کمترین مجازاتی که ممکن است قانونگذار بر مجرم حکم کند، غرامت مالی است، چراکه غرامت مالی از مجازاتی است که مجرم میتواند بدون توجه به مال دار بودنش، آنرا بپردازد.

نتیجه گیری:

در رابطه با دیدگاه نظام کیفری ایران در قبال جرایم سیاسی و مرتکبان این جرائم باید عنوان کرد که نظام حقوقی ایران تا قبل از انقلاب اسلامی مجرمان سیاسی هرگز از ارفاق برخوردار نبودند. به جرم این افراد در دادگاه های نظامی رسیدگی میشد و تعقیب جرم نیز از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور صورت میگرفت که برای گرفتن اقرار، از هیچ شکنجه و آزاری دریغ نمی کردند. جلسات محاکمه از هیئت منصفه و تماشاجی

خالی بود و حتی اجازه گرفتن وکیل هم به متهمان داده نمی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با دیدگاه مثبتی که تدوین کنندگان قانون اساسی به مجرمان سیاسی داشتند، نکاتی در قانون اساسی گنجانده شد که می توان در اصل 168 قانون اساسی شاهد آن بود، اما قوانین عادی کشور اقدامی در راستای تحقق منویات مقنن اساسی در این ارتباط مقرر نساخته بودند. مطابق اصل 168 قانون اساسی: رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون ر اساس موازین اسلامی معین میکند. قانونگذار اساسی در این اصل سه اصل حاکم بر رسیدگی جرائم سیاسی را بیان داشته است که منطبق با رویکرد بین المللی به این جرائم و رویکرد ارفاق آمیز است: علنی بودن رسیدگی به این دسته از جرائم، رسیدگی با حضور هیئت منصفه و رسیدگی در محاکم دادگستری. قانونگذار عادی با تصویب قانون جرم سیاسی در سال 1395 به محقق ساختن مقصود قانونگذار اساسی در این اصل پرداخته است. هرچند مهمترین ایراد و کاستی این قانون در ابتدای قانون مزبور جلوه مینماید و آن این است که تعریفی از جرم

سیاسی ارائه نگردیده است. این امر بی شک نقصانی در امر قانون نویسی و قانونگذاری است و برخورد با جرائم سیاسی را موجد رویه ای غیر واحد خواهد ساخت .

مصادیق مقرر در ماده 2 این قانون به شرطی که انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب گردیده است. در ماده 3 قانون مزبور نیز استثنائات جرائم سیاسی بیان گردیده است و مواردی همچون آدم ربایی و گروگان گیری، بمب گذاری و تهدید به آن، هواپیماربابی و راهزنی، جرائم مواد مخدر، جاسوسی از عداد جرائم مزبور خارج گردیده است که منطبق با رویکرد اسناد بین المللی به این دسته از جرائم است.



۱. احمد، ش. ۲۰۰۷، الحماية القانونية لرؤساء الدول (ط 1، القاهرة: مطبعة مصر
۲. بكر، ع. ۱۹۶۵، الجرائم الماسة بأمن الدولة. مجلة العلوم القانونية، عدد 1
۳. پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۲)، جرم سیاسی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. ثروت، ج. ۲۰۰۰، الظاهرة الجرمية. القاهرة: دار النهضة العربية
۵. حسنی، م. ۱۹۸۴، شرح قانون العقوبات، ط 4، القاهرة: دار النهضة العربية
۶. حمودة، م. ۲۰۰۹، الجريمة السياسية، كلية الحقوق. جامعة المنوفية: دار الفكر العربي
۷. خالقی، ا. ۲۰۱۶، سیاست کیفری نسبت به جرم سیاسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
۸. خفاجی، احمد جاسم سلمان. ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی جرم سیاسی در حقوق عراق و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد
۹. دانش، تاج زمان (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. رادفر، ر. ۱۳۸۹، جرم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حقوق، پایان نامه کارشناس ارشد
۱۱. راوندی، مرتضی (۱۳۶۸)، سیر قانون و دادگستری در ایران، بابل: نشر چشمه.
۱۲. روحانی، ق. ۱۳۹۱، نظریه یگانگی جرائم سیاسی. تهران: مطبوعات نشر دانشگاه امام الصادق
۱۳. زراعت، عباس، ۱۳۷۷، جرم سیاسی چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس
۱۴. زنبیلی، م. ۱۳۷۸، جرم سیاسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
۱۵. سرور، ا. ۱۹۷۲، اصول قانون العقوبات. بدون ناشر
۱۶. سعید، س. ۱۹۳۹، شرح قانون العقوبات. بغداد: مطبعة فتح الله
۱۷. سلام، م. ۲۰۱۳، الجريمة السياسية في ظل النظام العالمي الجديد. بدون ناشر
۱۸. شورابی، ع. 1989، الجريمة السياسية واوامر الاعتقال. الاسكندرية: منشأة المعارف
۱۹. شیخه، ا. ۱۹۹۳، النظام الدستوري، ج 2، بدون ناشر
۲۰. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، جلد ۱، ۱۳۷۱، ۱
۲۱. عبد الملک، ج. 1931، الموسوعة الجنائية، ج 3، القاهرة: مطبعة دار الكتب
۲۲. فاضل، م. ۱۹۶۲، محاضرات في الجريمة السياسية. معهد الدراسات العربية، بيروت: جامعة الدول العربية
۲۳. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۵۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۴. محبی، جلیل؛ ۱۳۸۹، بایسته های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۳۱
۲۵. مدنی، جلال، ۱۳۹۳، مباحثی از جرم سیاسی. تهران: انتشارات پایدار
۲۶. ملک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۵۵)، حقوق جزای عمومی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۵، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، نشر